



## پاکبان زبان

گفت‌وگو با طاهره مشایخ  
نویسنده و زبان‌شناس

وقتی صحبت از دفاع و حراست می‌شود اغلب ما تصویر مرزهای خاکی و وطن در ذهنمان نقش می‌بندد، زبان از جمله تعبیری است که جزء مرزهای ما محسوب می‌شود و عدم حراست از این مرز می‌تواند حتی ما را به بی‌هویتی بکشاند. درباره چرایی و بایدهای آن با طاهره مشایخ، نویسنده و زبان‌شناس گفت‌وگو کرده‌ایم:

**حیات و پویایی زبان فارسی به چه عواملی نیاز دارد**

**و چه زمینه‌هایی می‌تواند زبان را به مرگ برساند؟**

اگر کمی آینده‌نگر باشیم، می‌توانیم چند سال آینده جامعه و جهان را پیش‌بینی کنیم. از لحاظ زبانی نیز می‌توان جامعه را مورد تحقیق و بررسی قرار داد و با توجه به داده‌ها و مشاهدات، پیش‌بینی‌هایی را مطرح کرد.

برای مثال، بعضی از زبان‌های بومی در آینده از بین خواهد رفت. اینجاست که از مرگ زبان سخن به میان می‌آید. زبان یک موجود زنده است پس اگر آن را به کار نبریم و با آن تکلم نکنیم و شاعران و داستان‌نویسان با واژه‌هایش شعر و داستان نگویند، به مرور زمان مرگ به سراغ آن زبان می‌آید.

این مرور زمان به چه معناست و در طول زمان چه اتفاقاتی

بریک زبان می‌گذرد که آن را به مرگ می‌رساند؟

مرگ زبان یک دفعه رخ نمی‌دهد که ما شاهد آن باشیم و بتوانیم فقدان و نبودش را زود متوجه شویم. آرام‌آرام، خیلی زیرپوستی و لاک‌پشتی. باید بیشتر از گذشته حواسمان به این موجود زنده بی‌زبان باشد. بی‌زبان! بله، بی‌زبان است؛ چون نمی‌تواند از خودش دفاع کند. ما از این زبان و اجزایش بهره می‌گیریم و می‌توانیم با دیگران ارتباط برقرار کنیم و حق خودمان را بگیریم.

## کاربر زبان چه وظیفه‌ای برای این موجود زنده دارد؟

ما هر کدام که به زبانی صحبت می‌کنیم کاربر و سخن‌گوی آن زبان به حساب می‌آییم. برای همین هم باید حق آن را به‌جا بیاوریم. چطور؟ کار سختی نیست. باید سعی کنیم کلماتی را که تعلق به زبانمان ندارند، از آن دور کنیم.

**چطور می‌توان از زبان در مقابل مرگ آن**

**مراقبت کرد و مانع از این اتفاق شد؟**

زبان مانند هر موجود زنده دیگر نیاز به مراقبت دارد. اگر حواسمان به آن نباشد کم‌کم می‌بینیم با ورود کلمات خارجی از اصل و ریشه‌اش دور شده است. وقتی یک کودک به دنیا می‌آید و به لطف خدا زبان پدر و مادرش را یاد می‌گیرد؛ سیب‌زمینی را دیب‌زمینی تلفظ می‌کند و پختن را پزیدن می‌گوید. این اشتباهات بامزه، بخش مهمی از روند رشد و تکامل زبان است.

اما ماجرای حساس زمانی آغاز می‌شود که پای رسانه‌ها به خلوت او باز می‌شود. اینجاست که پدر و مادر به زبان فرزندشان حساس می‌شوند و دوست دارند او زبان پاکی داشته باشد.

## مگر زبان ناپاک هم داریم؟ چطور زبان ناپاک می‌شود؟

زبان پاک دو معنا دارد. زبانی عاری از دشنام و کلمات نامناسب و دیگری به معنای زبانی که کلمات خارجی نداشته باشد؛ مثلاً استفاده از کلماتی مثل تایم و اوکی و براوو و ... زبان را ناپاک می‌کند.

غالب خانواده‌ها به استفاده از دشنام بسیار حساس هستند و فرزندانشان را از بیان آن نهی می‌کنند. آیا خانواده‌ها برای به‌کارگیری کلمات خارجی هم همین‌قدر حساسیت دارند؟! اکثر ما از ورود کلمات خارجی به زبان آگاهی نداریم و نمی‌دانیم استفاده از کلمات خارجی به مرور زمان چه بلا و مصیبتی بر سر زبان می‌آورد.

